شرح یک بیت مثنوی معنوی

محمدی، هاشم

سینه خواهم شرحه‏شرحه از فراق‏ تا بگویم شرح درد اشتیاق

شارحان مثنوی معنوی از دیرباز تاکنون«شرحه»را پاره گوشتی‏ که از درازا بریده باشند و شرحه‏شرحه راپاره‏پاره،تکه‏تکه معنی‏ کرده‏اند که کاملا درست و به‏جاست.

دکتر محمد استعلامی ذیل همین بیت و در تعلیقات آورده‏اند که: دلی پاره‏پاره از غم و گرفتار عشق.کسی که دلی دردآشنا داشته باشد، می‏تواند درد اشتیاق خود را به پروردگارش بر زبان آورد.(ص 194)1

در کتاب بر لب دریای مثنوی معنوی آمده:تا آدمی درد فراق‏ را تجربه نکرده باشد،حکایت فراق را در نیافته است.(ص 15 دیباچه)2

استاد دکتر توفیق هـ سبحانی هم در شرح این بیت یادآوری‏ کرده‏اند که:دلی که از دوری یار چاک‏چاک شده باشد و مراد آن است‏ که در فهم مقصود جنسیت و سنخیت شرط است تا کسی اهل درد نباشد،سخن دردمندان را نمی‏تواند درک کند،زیرا گفته‏اند:السنخیة علة الصنم:هم‏گونی مایه‏ی هم‏پیوندی‏ست.(ص‏18)3

در شرح انقروی بر مثنوی معنوی مولوی آمده:من برای گفتن‏ این سخنان و برای شرح این اسرار سینه‏یی بی‏کینه و بسیار آرام(؟) می‏خواهم که از فراق یار حقیقی شرحه‏شرحه باشد تا به یک چنین‏ شهی قابل و مستور درد و اشتیاقی که به آن حضرت دارم بگویم و اسرار او را برای کسی که دارای صفات مذکور باشد،شرح دهم.(شرح‏ کبیر،ص 412

علامه محمد تقی جعفری در تفسیر و نقد و تحلیل مثنوی با عنوان«نمودهای روانی قابل مشاهده نیست»،در شرح این بیت‏ نوشته‏اند:کسی که یک پدیده‏ی روحی را درون خویش دریافت‏ نکرده،نمی‏تواند از الفاظ و حرکات دیگران آن پدیده را دریافت‏ نماید...روی همین اصل اشتیاق به وصال را کسی می‏تواند درک کند که زیبایی و عظمت معشوق و شایستگی او را دریابد و در نتیجه تلخی‏ فراق و جدایی را که هم مولود هیجان اشتیاق به وصال و نرسیدن به‏ محبوب است،بچشد.(ج اول،ص 7)5

سایر شرح‏ها و گزینه‏های مثنوی معنوی نکته‏ی خاصی ندارند و همه گفته‏های پیشینیان است.6

اما قدیمی‏ترین شرح«خواجه ایوب»و بحر العلوم در شرح این بیت‏ گفته‏اند که:مولانا این سینه چاک‏چاک را برای خود می‏خواهد و مراد از آن شرح صدر است تا بتواند درد عشق نهایی را بیان کند.

استاد بدیع الزمان فروزانفر در شرح مثنوی شریف نوشته‏اند:این‏ معنی اگرچه غلط نیست،ولی با ابیات بعد که حاکی ازسوء فهم‏ مستمعان و شکایت از فقدان مردم اهل و هم‏جنس است.مباینت‏ دارد.(ص 11)7و مضمون بیت را ظاهرا مقتبس از این روایت می‏دانند: «یوسف بن الحسین در نزدیک خواص شد و چند روز بود تا از عیادت‏ و تفهد او غافل مانده بود.وی را گفت:هیچ چیزت آرزو می‏کند.گفت: پاره جگر بریان آرزوی همی کند».(ترجمه رساله‏ی قشیریه،ص 530)8

از معانی شرح و شرحه آشکارا و گشاده کردن است و سینه‏ی‏ دارای شرح صدر،سینه‏ی گشاده است که ظرفیت تحمل درد و فراق و جدایی را داشته باشد.خداوند تبارک و تعالی خطاب به پیامبر گرامی‏ اسلام فرمود:

الم نشرح لک صدرک

(سوره‏ی شرحـ،94،آیه‏ی 1)(آیا سینه‏ی تو را گشاده نکردیم و به تو شرح صدر ندادیم.)تا تحمل تو در مقابل مشکلات زیاده گردد.حضرت موسی از انبیای اولو العزم بود و از جانب رب الرباب استدعای شرح صدر نمود که:«

ربّ الشرح لی‏ صدری و یسّر لی امری و احلل عقدة من لسانی یفقهوا قولی

». (قرآن کریم،سوره‏ی 20،آیه‏ی 25)

یار مرا غار مرا عشق جگر خوار مرا یار تویی غار تویی خواجه نگه دار مرا

آمده است:

نوح تویی،روح تویی فاتح و مفتوح تویی‏ سینه‏ی مشروح تویی بر در اسرار مرا(ص 23)

و در غزلی دیگر با مطلع:

یاران سحرخیزان تا صبح که دریابد تا ذره صفت ما را که زیر و زبر یابد

آورده است:

ره‏رو،بهل افسانه تا محرم و بیگانه‏ از نور الم نشرح بی شرح تو در یابد

(ص 127)9

پیش از مولانا،سنایی در حدیقة الحقیقة هم به این موضوع‏ اشاره داشته اشت.

همه خلق و وفا و بسط و فرح‏ شرط این نقلها الم نشرح... سینه‏ی او گشاده روح نخست‏ هرچه جز پاک دید پاک بشست

10 (ص 200،سطر 18 و 20)

که اشاره به واقعه شق صدر حضرت رسول است که اغلب اهل‏ سیر و حدیث ذکر کرده‏اند.(ابن عساکر در تاریخ کبیر،ج 1،ص 369)و مسلم در کتاب صحیح خود،ج 2،ص 216 از انس بن مالک روایت‏ کرده‏اند و در کتاب قصص الانبیا تالیف ابو اسحق نیشابوری ص 404 و 405 به روایت‏های گوناگون آمده است.

مؤلف مرزبان‏نامه در تهذیب کتاب که مدت‏ها در گمنامی بوده، آورده:پنداری که این عروس زیبا که از پس پرده‏ی خمول بماند و چون دیگر جواری منشآت در بحر و بر سفر نکرد و شهرتی لایق‏ نیافت،هم بدین جهت بود که چون ظاهری آراسته نداشت،دواعی‏ غیب از باطن جویندگان به تحصیل آن متداعی نیامد.

از این شگرف‏تر اندیشه نیست در عمل آر وگرنه ره مده اندیشه را به خاطر خویش

مرا سینه‏ی اهل از شرح این سخن منشرح شد.(مرزبان‏نامه،ص‏ 11)11و شواهد فراوانی در متون نظم و نثر در این مورد وجود دارد.

در فرهنگ‏واره‏های تاثیر آیات قرآن در ابیات مثنوی هم برای این‏ بیت شواهد قرآنی(تلمیحات)ذکر نشده است.12

در دفتر پنجم مثنوی در بحثی به نام علم-عمل-طریقت در 4 بیت دیگر شرح دل و انشراح صدر آمده است.(توفیق سبحانی،ص 165)

با توجه به شواهد متعدد از مولانا در مثنوی معنوی و غزلیات‏ شمس و دیگر آثار ادبی به نظم و نثر،آیا نمی‏توان سینه‏ی‏ شرحه‏شرحه را همان سینه‏ی گشاده و شرح صدر دانست که مولانا خود استدعای چنین شرح صدری را دارد که تاب و تحمل فراق و جدایی و درد و رنج را داشته باشد و بتواند از درد اشتیاق سخن بگوید. البته نظر نهایی با استادان فرهیخته و فرزانه‏یی‏ست که در ارتباط با مولانا و آثار او پژوهش‏های درخوری انجام داده‏اند و رأی و اندیشه‏ی‏ آنان همانند چراغی فروزان فراراه علاقه‏مندان به مولانا و مثنوی‏ معنوی خواهد بود.شاید هم مولوی به صورت ایهامی هر دو موضوع‏ را مد نظر قرار داده است.

غرق عشقی‏ام که غرق است اندرین‏ عشق‏های اولین و آخرین‏ مجملش گفتم نکردم زان بیان‏ ورنه هم افهام سوزد هم زبان‏ من چو لب گویم لب دریا بود من چو لا گویم مراد الاّ بود

منابع و مآخذ

(1)مثنوی مولانا جلال الدین بلخی،مقدمه،تصحیح و تعلیقات و فهرست‏ها،دکتر محمد استعلامی،ج اول،انتشارات زوار،1375.

(2)بر لب دریای مثنوی معنوی(بیان مقاصد ابیات)،کریم زمانی،ج اول،نشر قطره،1382.

(3)گزینه‏ی مثنوی،انتخاب و شرح دکتر توفیق،هـ سبحانی،نشر قطره،1372.

(4)شرح کبیر انقروی بر ممثنوی معنوی مولوی،ج 1،ترجمه‏ی دکتر عصمت ستارزاده،انتشارات برگ زرین،1380.

(5)تفسیر و نقد و تحلیل مثنوی جلال الدین محمد مولوی،محمد تقی جعفری،ج 1،انتشارات اسلامی،1373.

(6)مکاشفات رضوی در شرح مثنوی معنوی،محمد رضا لاهوتی،مقدمه،تصحیح و تعلیقات رضا روحانی،سروش،1381،از نی‏نامه(گزیده مثنوی معنوی)،انتخاب و توضیح دکتر عبد الحسین زرین‏کوب،دکتر قمر آریان،انتشارات سخن،1377).

(7)شرح مثنوی شریف،تالیف بدیع الزمان فروزانفر،انتشارات زوار،1383،گزینه‏ی مثنوی،انتخاب و شرح و توضیحات از استاد بدیع الزمان فروزانفر،جامی،1383.

(8)ترجمه‏ی رساله‏ی قشیریه،بدیع الزمان فروزانفر،بنگاه ترجمه و نشر کتاب،1376.

(9)گزیده‏ی غزلیات شمس،جلال الدین محمد بلخی،به کوشش دکتر محمد رضا شفیعی‏کدکنی،امیرکبیر،1367.

(10)تعلیقات حدیقة الحقیقة،جمع و تالیف مدرس رضوی،موسسه‏ی مطبوعاتی علمی.

(11)مرزبان‏نامه،تحریر سعد الدین وراوینی،تصحیح محمد روشن،نشر نو،1367.

(12)فرهنگ واره‏ی تاثیر آیات قرآن درابیات مثنوی،تدوین سیامک ممختاری و بهاء الدین خرمشاهی،نشر قطره،1383،آیات مثنوی از محمود درگاهی و آیات مثنوی معنوی نظام الدین نوری.

از غزلیات شمس

ای خدا این وصل را هجران مکن‏ سرخوشان عشق را نالان مکن‏ نیست در عالم ز هجران تلخ‏تر هرچه خواهی کن ولیکن آن مکن

ماهنامه‏یی دیگر به نام«پروین»

دومین شماره‏ی ماهنامه‏ی پروین به صاحب امتیازی و مدیر مسوولی خانم معصومه بیات و سردبیری سید حسن امین از چاپ‏ برآمد.سید حسن امین در سرمقاله‏ی نخستین شماره‏ی این‏ ماهنانه‏ی جدید نوشته است:

«تجربه‏ی من از چهار ماهنامه‏یی که تا کنون سردبیری کرده‏ام، بر من ثابت کرده است که اوّلا قلم‏زنی مؤثر و تأثیرگذار است.ثانیا، تکلیف اهل قلم،«ابلاغ رسالت»و«گفتن شرط بلاغ»است.ثالثا در ادای این تکلیف،نه سود مادی هست و نه در جوّ اختناق می‏توان‏ از جهت روحی،صددرصد،ارضاء شد.با این همه،اگر وارد معقولات‏ نمی‏توان شد،وارد مشارکت در تلاش‏های مدنی،اجتماعی، فرهنگی و ادبی که می‏توان.با ما همراه شوید و ما را در این خدمت‏ فرهنگی یاری دهید».

امیدواریم ماهنامه‏ی پروین،به سرنوشت حافظ!دچار نشود؛ اما هدف ما از نشر مجله«ادای وظیفه»یی‏ست که نمی‏توانیم برای‏ حفاظت مجله از توقیف و لغو مجوز،از آن اهداف سخن نگوییم. وظیفه ما حق‏گویی و حق‏نویسی‏ست.